

ترجمه و تعلیق بر مبانی تکملة المنهاج

قصاص

استاد حلیل قبله‌ای خویی

تهران

۱۳۹۰



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: خوئی، ابوالقاسم، ۱۲۷۸-۱۳۷۱.
عنوان قرارداد: مبانی تکملة المنهاج. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و تعلیق بر مبانی تکملة المنهاج: قصاص / [ابوالقاسم خوئی]:
[ترجمه] خلیل قبله‌ای خوئی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز
تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: دوازده، ۲۸۳ ص.
فروست: «سبت»: ۱۵۱۳، الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی): ۱۹.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۰-۶۶۷-۸ ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۵-۲۷۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت: نیامده.
موضوع: فتوای شیعہ - قرن ۱۴
موضوع: فقه جعفری - رابطه عملیه
موضوع: قصاص (فقه)
شناسه افزوده: قبله‌ای خوئی، خلیل، ۱۳۰۴ - . مترجم.
شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و
توسعه علوم انسانی.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸۰۲۱ م ۹/ج ۱۸۳/۹ BP
رده‌بندی دیوئی: ۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۸۱۱۵

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



ترجمه و تعلیق بر مبانی تکملة المنهاج: قصاص
استاد خلیل قبله‌ای خوئی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)
و پرستار: عذرا قبله‌ای
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰
تعداد: ۵۰۰
حروفچینی و لیتوگرافی: «سبت»
چاپ و صحافی: گروه شرکت‌های زیراکس (شرکت نماداندیش آرین)
قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشنده‌گان و عوامل توزیع
مجاز به تغییر آن نیستند.
نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی
پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۴۴۴۴۶۲۵۰-۲.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر یا مؤلف، نشر
یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن «سنت»

یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبانی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبانی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» را که به اختصار «سنت» نامیده می شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در هر کدام از رشته های علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن، باید به تدریج و پس از انتقادهای و یادآوریهای پیاپی ارباب نظر به دست آید و انتظار دارد که این بزرگواران از این همکاری دریغ نورزند. کتاب حاضر برای دانشجویان فقه و مبانی حقوق اسلامی و حقوق جزا در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان منبع فرعی دروس «متون فقه جزای ۱ و ۲» ترجمه شده است. امید است که علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه مندان نیز از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: در قصاص نفس
۷	ثبوت قصاص با قتل عمد نفس محترمه (مسئله ۱)
۱۱	تحقق قتل عمد (مسئله ۲)
۱۲	مرگ در اثر انداختن در آتش یا دریا (مسئله ۳)
۱۳	مرگ در آتش یا وجود امکان مداوا (مسئله ۴)
۱۴	مرگ مجنی علیه در اثر سرایت بر حسب اتفاق (مسئله ۵)
۱۵	پريدن از روی بلندی بر روی کسی به قصد کشتن (مسئله ۶)
۱۶	قتل با سحر (مسئله ۷)
۱۷	قتل با سم (مسئله ۸)
۱۸	حفر چاه در معبر عمومی به قصد کشتن شخصی (مسئله ۹)
۱۹	خوددرمانی مجروح با داروی مسموم و اقدام به عمل جراحی منجر به مرگ (مسئله ۱۰)
۲۱	پرتاب از بلندی یا در دریا و مرگ در اثنای آن (مسئله ۱۱)
۲۲	مرگ بر اثر تحریک سگ درنده یا انداختن در جایگاه شیر (مسئله ۱۲)
۲۳	وارد کردن جراحت به قصد قتل و شرکت حیوان یا انسان در قتل (مسئله ۱۳)
۲۴	انداختن در زمین درندگان با دستهای بسته (مسئله ۱۴)
۲۵	حکم مباشر و سبب (مسئله ۱۵)
۲۶	حکم قاتل، مسک و ناظر (مسئله ۱۶)
۳۱ و ۲۸	حکم آمر به قتل (مسئله ۱۷ و ۱۸)
۳۱	امر به قتل خود (مسئله ۱۹)
۳۳	امر به خودکشی (مسئله ۲۰)
۳۵	اکراه به مادون نفس (مسئله ۲۱)
۳۶	اکراه به فعلی که به مرگ منجر شود (مسئله ۲۲)

- ۳۷ قتل به وسیله شهادت زور (مسئله ۲۳)
- ۳۹ جنایت منجر به مرگ مغزی و بریدن سر مجروح (مسئله ۲۴)
- ۴۰ سرایت دو جراحت که یکی بهبود یافته (مسئله ۲۵)
- ۴۲ جراحت به قصد قتل (مسئله ۲۶)
- ۴۳ قطع دست از میچ و ساعد و سرایت آن (مسئله ۲۷)
- ۴۴ اگر جارج و قاتل یک نفر باشد (مسئله ۲۸)
- ۴۸ شرکت در قتل (مسئله ۲۹)
- ۵۰ کیفیت تحقق شرکت در قتل (مسئله ۳۰)
- ۵۱ شرکت انسان با حیوان بدون تحریک آن در قتل مسلمان (مسئله ۳۱)
- ۵۴ شرکت پدر در قتل پسر (مسئله ۳۲)
- ۵۴ شرکت مسلمان با ذمی در قتل ذمی (مسئله ۳۲)
- ۵۵ کیفیت تحقق شرکت در جنایت اعضا (مسئله ۳۳)
- ۵۷ شرکت دو زن یا بیشتر در قتل یک مرد (مسئله ۳۴)
- ۵۸ شرکت یک مرد و یک زن در قتل یک مرد (مسئله ۳۵)
- ۵۹ رد اضافه دیه در قتل مقدم بر قصاص است (مسئله ۳۶)
- ۶۰ شرکت عامد و خاطی در قتل (مسئله ۳۷)
- ۶۱ شروط قصاص
- ۶۱ اول: تساوی در حریت و عبودیت
- ۶۳ جواز قصاص در قتل عمدی مرد و زن آزاد توسط مرد آزاد (مسئله ۴۰)
- ۶۵ جواز قصاص در قتل عمدی مرد و زن آزاد توسط زن آزاد (مسئله ۴۱)
- عدم ثبوت قصاص در قتل خطائی یا شبه عمد مرثیا زن آزاد توسط مرد آزاد (مسئله ۴۲)
- ۶۶ قتل دو مرد آزاد یا بیشتر توسط مرد آزاد (مسئله ۵۹)
- ۶۸ دوم: تساوی در دین
- ۷۱ اسلام آوردن قاتل کافر پس از قتل (مسئله ۶۸)
- ۷۲ قتل ولد زنا (مسئله ۶۹)
- ۷۴ ضابط در ثبوت قصاص و عدم آن (مسئله ۷۰)
- ۷۶ بلوغ صغیر پس از قتل (مسئله ۷۱)
- ۷۷ اسلام آوردن کافر پس از اصابت تیر (مسئله ۷۲)
- ۷۹ ارتداد مسلمان پس از قطع دستش و مرگ او (مسئله ۷۴)

۸۲	قتل ذمی به دست مرتد (مسئله ۷۵)
۸۳	ارتداد مسلمان پس از جنایت بر ذمی (مسئله ۷۶)
۸۴	قتل مرتد به دست ذمی یا مسلمان (مسئله ۷۷)
۸۵	کشتن قاتل به دست غیر ولی (مسئله ۷۸)
۸۶	کشتن مهدورالدم (غیر از سب النبی) به دست غیر امام (مسئله ۷۹)
۸۷	حکم قتل صغیر توسط بالغ (مسئله ۸۰)
۸۹	سوم: قاتل پدر مقتول نباشد
۹۱	کشتن پسر به دست یکی از مدعیان پدری (مسئله ۸۱)
۹۳	حکم قصاص پدر به دست پسر به جرم قتل مادرش (مسئله ۸۲)
۹۵	قتل پدر و مادر به دست دو پسر (مسئله ۸۳)
۹۶	چهارم: عقل و بلوغ
۱۰۰	اختلاف ولی و جانی در بلوغ (مسئله ۸۴)
۱۰۲	قتل مجنون به دست عاقل (مسئله ۸۵)
۱۰۳	کشتن مجنون مهاجم (مسئله ۸۶)
۱۰۴	حکم قاتل مست (مسئله ۸۷)
۱۰۶	حکم قاتل نابینا (مسئله ۸۸)
۱۰۸	پنجم: مقتول محقون الدم باشد
۱۱۰	قتل زن در حال ارتکاب زنا (مسئله ۸۹)
۱۱۳	فصل دوم: دعوی قتل و ادله اثبات آن
۱۱۳	شرط عقل و بلوغ در مدعی قتل (مسئله ۹۰)
۱۱۴	ادعا به قتل پدر توسط عده‌ای ناشناس (مسئله ۹۱)
۱۱۷	ادعا به قتل غیر مشخص از نظر عمدی یا خطائی (مسئله ۹۲)
۱۱۸	ادعای قتل علیه دو نفر به صورت جداگانه (مسئله ۹۳)
۱۱۹	ادعای قتل عمدی علیه کسی و تفسیر آن به خطا (مسئله ۹۴)
۱۲۰	ادله اثبات قتل
۱۲۰	اول: اقرار
۱۲۰	کفایت یک بار اقرار در اثبات قتل (مسئله ۹۵)
۱۲۰	شرط بلوغ، عقل، اختیار و آزاد بودن در مقر (مسئله ۹۵)
۱۲۰	اقرار ورشکسته و سقیه به قتل عمد یا خطا (مسئله ۹۵)

- ۱۲۳ اقرار هم‌زمان دو نفر به قتل عمدی و خطائی یک فرد (مسئله ۹۶)
- ۱۲۵ اقرار دو نفر به قتل و برگشت یکی از ادعای خود (مسئله ۹۷)
- ۱۲۷ دوم: بینه
- ۱۲۷ ثبوت دیه با شهادت یک مرد و دو زن بر قتل (مسئله ۹۸)
- ۱۲۸ لزوم شهادت به قتل بر اساس حس یا مشاهده (مسئله ۹۹)
- ۱۲۹ شهادت دو نفر بر کشنده بودن جنایت جانی (مسئله ۱۰۰)
- ۱۳۰ شهادت دو شاهد باید بر یک چیز باشد (مسئله ۱۰۱)
- ۱۳۱ اگر یکی به قتل و دیگری به اقرار شهادت دهند (مسئله ۱۰۲)
- ۱۳۲ شهادت بر اقرار به قتل بدون مشخص کردن نوع آن (مسئله ۱۰۳)
- ۱۳۲ شهادت یک نفر به قتل عمد و دیگری به مطلق قتل (مسئله ۱۰۳)
- ۱۳۳ ادعای قتل همراه با بینه علیه دو نفر (مسئله ۱۰۴)
- ۱۳۴ پذیرش شهادت دو نفر به جراحت به نفع مورث (مسئله ۱۰۵)
- ۱۳۵ شهادت دو عاقله بر قتل شاهدان قتل (مسئله ۱۰۶)
- ۱۳۸ قیام بینه بر قاتل بودن دو نفر (مسئله ۱۰۷)
- ۱۳۹ قیام بینه بر قاتل بودن یک نفر و اقرار دیگری به قتل (مسئله ۱۰۸)
- ۱۴۴ صحت عفو از قصاص در قتل عمدی با اقامه یک شاهد و دو زن (مسئله ۱۰۹)
- ۱۴۵ سوم: قسامه
- ۱۴۵ چند فرع درباره ادعای ولی قتل (مسئله ۱۱۰)
- ۱۵۰ حکم ثبوت قسامه در جایی که مدعی یا مدعی علیه زن است (مسئله ۱۱۱)
- ۱۵۱ مقدار و کمیت قسامه (مسئله ۱۱۲)
- ۱۵۴ حکم قسامه در صورتی که تعداد ادعا کنندگان کمتر از عدد قسامه (مسئله ۱۱۳)
- ۱۵۵ اگر مدعی علیه یک یا چند نفر باشند (مسئله ۱۱۴)
- ۱۵۷ سقوط دعوای قتل در صورتی که مدعی قسم نخورد (مسئله ۱۱۵)
- ۱۶۲ ثبوت قسامه در جروح و تعداد آن (مسئله ۱۱۶)
- ۱۶۳ عدم ثبوت قسامه در جایی که مقتول کافر باشد و مدعی علیه مسلمان (مسئله ۱۱۷)
- ۱۶۵ دیه مقتولی که بین دو روستا پیدا شود (مسئله ۱۱۸)
- ۱۶۶ دیه مقتولی که در مجامع عمومی پیدا شود (مسئله ۱۱۹)
- ۱۶۸ مطابقت قسم با دعوی (مسئله ۱۲۰)
- ۱۶۹ ادعای قتل بر یکی از دو نفر (مسئله ۱۲۱)
- ۱۷۰ ادعای شرکت در قتل علیه دو نفر (مسئله ۱۲۲)

- ۱۷۲ ادعای شرکت در قتل علیه دو نفر و وجود لوٹ در یکی از آنها (مسئله ۱۲۳)
- ۱۷۳ وجود دو ولی حاضر و غایب برای مقتول (مسئله ۱۲۴)
- ۱۷۵ اختلاف اولیای دم مقتول بر قاتل بودن شخصی (مسئله ۱۲۵)
- ۱۷۶ مرگ ولی دم در اثناي قسامه و قائم مقامی وارث او (مسئله ۱۲۶)
- ۱۷۷ قسم مدعی بر قاتل بودن شخصی و سپس اقرار دیگری (مسئله ۱۲۷)
- ۱۷۸ احراز بی گناهی مدعی علیه پس از قسامه (مسئله ۱۲۸)
- ۱۷۹ بازداشت موقت (شش روز) متهم به قتل (مسئله ۱۲۹)

فصل سوم: در احکام قصاص

- ۱۸۰ در قتل عمدی قصاص ثابت است نه دیه (مسئله ۱۳۰)
- ۱۸۳ تعذر قصاص (مسئله ۱۳۱)
- ۱۸۴ حکم فراری دادن قاتل (مسئله ۱۳۲)
- ۱۸۵ مباشران قصاص مردانی هستند که از مال ارث می برند (مسئله ۱۳۳)
- ۱۸۷ اولویت اذن امام (ع) در قصاص (مسئله ۱۳۴)
- ۱۸۹ حکم اولیای متعدد نسبت به قصاص (مسئله ۱۳۵)
- ۱۹۲ حکم قصاص بعضی از اولیا (مسئله ۱۳۶)
- ۱۹۳ اگر مقتول اولیای مسلمان نداشته باشد (مسئله ۱۳۷)
- ۱۹۴ عدم جواز مثله کردن قاتل (مسئله ۱۳۸)
- ۱۹۵ قصاص حق ولی است (مسئله ۱۳۹)
- ۱۹۶ حکم غیاب بعضی از اولیای دم (مسئله ۱۴۰)
- ۱۹۷ ولی صغیر یا مجنون میت (مسئله ۱۴۱)
- ۱۹۸ ادعای عفو قاتل توسط یک از دو ولی (مسئله ۱۴۲)
- ۱۹۹ جواز قصاص یا عفو یا اخذ دیه از سوی سفیه و مفلس (مسئله ۱۴۳)
- ۲۰۰ لزوم پرداخت دیون مقتول از دیه (مسئله ۱۴۴)
- ۲۰۲ بدهکار بودن مقتول خطائی و عدم جواز عفو دیه او (مسئله ۱۴۵)
- ۲۰۳ قتل دو نفر به دست یک نفر و حق قصاص ولی هر یک (مسئله ۱۴۶)
- ۲۰۴ تعیین وکیل برای قصاص و عزل او قبل از قصاص (مسئله ۱۴۷)
- ۲۰۵ عدم جواز قصاص زن باردار (مسئله ۱۴۸)
- ۲۰۶ معلوم شدن بارداری زن پس از قصاص (مسئله ۱۴۹)
- حکم قصاص کسی که دست یکی را قطع کرده و سپس دیگری را کشته است (مسئله ۱۵۰)

۲۰۸	قطع دست و سپس مرگ در اثر سرایت (مسئله ۱۵۱)
۲۰۹	قطع دست و قصاص جانی، سپس سرایت (مسئله ۱۵۲)
۲۱۱	ثبوت حق قصاص پس از موت مجنی علیه بر ولی (مسئله ۱۵۳)
۲۱۲	حکم قتل مقطوع الید (مسئله ۱۵۴)
۲۱۳	اگر ولی دم قاتل را به قصد قصاص بزند و او نمیرد (مسئله ۱۵۵)
۲۱۵	فصل چهارم: در قصاص اطراف (اعضاء)
۲۱۵	ثبوت قصاص در اعضا با جنایت عمدی (مسئله ۱۵۶)
۲۱۶	شروط قصاص در اطراف (مسئله ۱۵۷)
۲۱۷	اولی تساوی در حریت و رقیت
۲۱۷	دوم: تساوی در دین
۲۱۹	جنایت مرد بر زن و عکس آن (مسئله ۱۶۲)
۲۲۱	معتبر نبودن تساوی در سلامت اعضا (مسئله ۱۶۳)
۲۲۴	قطع دست راست در مقابل دست راست (مسئله ۱۶۴)
۲۲۶	حکم کسی که دستهای جنایتی را متعاقباً قطع کند (مسئله ۱۶۵)
۲۲۷	قطع دست یک نفر توسط دو نفر (مسئله ۱۶۶)
۲۲۸	ثبوت قصاص در شجاج (مسئله ۱۶۷)
۲۲۹	ثبوت قصاص در جروح مضبوط (مسئله ۱۶۸)
۲۳۱	جواز قصاص قبل از بهبود جراحات (مسئله ۱۶۹)
۲۳۳	کیفیت قصاص در جراحات (مسئله ۱۷۰)
۲۳۴	وجوب تأخیر قصاص در گرما و سرمای شدید (مسئله ۱۷۱)
۲۳۵	عدم اعتبار اجرای قصاص با وسیله آهنی (مسئله ۱۷۲)
۲۳۶	بیشتر بودن مساحت جراحت از عضو جانی (مسئله ۱۷۳)
۲۳۷	پیوند عضو قطع شده مجنی علیه به بدن پس از قصاص (مسئله ۱۷۴)
۲۳۸	پیوند عضو قطع شده مجنی علیه به بدن پیش از قصاص (مسئله ۱۷۵)
۲۴۰	قصاص چشم اعور (مسئله ۱۷۶)
۲۴۱	در آوردن چشم اعور توسط شخص سالم (مسئله ۱۷۷)
۲۴۳	از بین بردن بینایی چشم نه حذقه آن (مسئله ۱۷۸)
۲۴۴	ثبوت قصاص در ابرو، ریش، موی سر و مانند اینها (مسئله ۱۷۹)
۲۴۶ و ۲۴۵	ثبوت قصاص در قطع آلت تناسلی مرد (مسئله ۱۸۰ و ۱۸۱)
۲۴۷	ثبوت قصاص در بیضه‌ها (مسئله ۱۸۲)

۲۴۸	ثبوت قصاص در قطع شفرین زن (مسئله ۱۸۳)
۲۵۰	عدم اعتبار تساوی در کارایی عضو جانی و عضو مقطوع (مسئله ۱۸۴)
۲۵۱	نسبت گیری قسمتی از بینی بریده شده با اصل بینی (مسئله ۱۸۵)
۲۵۲	ثبوت قصاص در دندان (مسئله ۱۸۶)
۲۵۳	دیه دندان شیری (مسئله ۱۸۷)
۲۵۵	رویش مجدد دندان جانی پس از قصاص (مسئله ۱۸۸)
۲۵۶	عدم اعتبار تساوی در محل و موضوع در قصاص دندانها (مسئله ۱۸۹)
۲۵۷	عدم قصاص دندان و انگشت اصلی در مقابل زاید (مسئله ۱۹۰)
۲۵۸	تبدیل قصاص به دیه در مقابل اعضایی که از بین رفته اند (مسئله ۱۹۱)
۲۵۹	قطع کف نام توسط کسی که انگشت ندارد (مسئله ۱۹۲)
۲۶۳	حکم سرایت قطع انگشت به کف (مسئله ۱۹۳)
۲۶۴	حکم قطع میخ دست و حکم قطع قسمتی از ساعد با میخ (مسئله ۱۹۴)
۲۶۵	انگشت زاید در جانی و مجنی علیه (مسئله ۱۹۵)
۲۶۶	قطع دست چپ به جای دست راست از روی جهل (مسئله ۱۹۶)
۲۶۸	ادعای ولی مقتول مبنی بر اینکه مرگ در اثر سرایت قطع دست بوده (مسئله ۱۹۷)
۲۶۹	قطع انگشت دست راست و سپس تمام دست راست دیگری (مسئله ۱۹۸)
۲۷۰	عفو جانی توسط مجنی علیه در صورت قطع انگشت (مسئله ۱۹۹)
۲۷۰	حکم سرایت جنایت به کف (مسئله ۱۹۹)
۲۷۱	حکم عفو قصاص نفس توسط مجنی علیه (مسئله ۲۰۰)
۲۷۲	قصاص جانی و سرایت آن به عضو دیگر یا نفس (مسئله ۲۰۱)
۲۷۳	عدم قصاص پناهنده به حرم الهی (مسئله ۲۰۲)
۲۷۳	عدم الحاق حرم الهی به حرم رسول (ص) و ائمه طاهرین (ع) (مسئله ۲۰۲)

۲۷۵	فهرست منابع
۲۷۷	فهرست توضیحی اصطلاحات
۲۸۲	فهرست نام کسان

تقديم به روح پرفسوح استاد الفقهاء و
المجتهدين حضرت آيت الله العظمى سيد
ابوالقاسم خويى (ره).

www.ketab.ir

مقدمه

کتاب مبانی تکملة المنهاج، تألیف آیت الله العظمی خویی، به طوری که از عنوان آن پیداست تکمیل کننده مباحث کتابی با نام المنهاج است. آیت الله العظمی سید محسن حکیم کتابی را در فقه با عنوان منهاج الصالحین به زبان عربی تألیف نمود ولی مباحثی چون قضا، شهادات، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات را در اثر مذکور نیاورد و شاید عدم طرح آن فروع به جهت اختلاف نظری است که در زمینه جواز و عدم جواز اقامه حدود و تصدی منصب قضا در عصر غیبت باشد. آیت الله خویی از جمله فقهای هستند که اقامه حدود را در عصر غیبت جایز می دانند و آن را به مشهور نسبت می دهند و معتقدند مخالفی در این مسئله وجود ندارد جز ابن زهره و ابن ادریس که اقامه حدود را وظیفه امام یا منصوب از جانب امام می دانند و محقق در شرایع و علامه در برخی از آثارش در مسئله فوق توقف نموده اند؛ در حالی که قول اظهر آن است که اقامه حدود توسط حاکم شرع جامع الشرایط در زمان غیبت جایز است به دو دلیل: اولاً، اقامه حدود به جهت وجود مصلحت عمومی و دفع فساد و جلوگیری از نشر فجور و طغیان بین مردم تشریع شده است و اختصاص آن به زمان خاص با امور مذکور منافات دارد و مسلماً حضور امام مداخلیتی در تشریع آن ندارد و همان طور که در زمان حضور اقتضا و تشریع احکام مذکور موجود است در زمان غیبت نیز چنین است. ثانیاً، ادله حدود از کتاب و سنت مطلق و غیر مقید به زمان خاصی است، مانند «الزانیة و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة» (نور/۲) و یا «السارق و السارقة فاقتطعوا أیدیهما» (مائده/۳۸) این آیات دلالت دارند بر اینکه اقامه حدود ضروری است و نسبت به اینکه متصدی اجرا چه کسی باشد دلالتی ندارد.

البته معنای این سخن آن نیست که هر فردی از افراد جامعه می تواند خود اقدام به اقامه حدود نماید؛ زیرا، این امر موجب اختلال در نظام اجتماعی می شود و روایاتی چون صحیحہ داود بن فرقہ^۱ و اسحاق بن یعقوب^۲ و حفص بن غیاث^۳ بر ممنوعیت اقدام فردی دلالت دارد.

اما استدلال بر عدم جواز اقامه حدود در عصر غیبت با روایتی که در دعائم الاسلام از امام صادق (ع) نقل شده که «لا یصلح الحکم ولا الحدود ولا الجمعة الا بامام» به سبب مرسل بودن روایت مورد قبول نیست.^۴

به نظر اینجانب قول مشهور قوی است به دو دلیل: اولاً، در صورت عدم اجرای حدود و تعزیرات و عدم تصدی منصب قضاوت، این امور تعطیل می شوند و ثانیاً، آیات و روایات بسیاری که در این زمینه وارد شده اند، نادیده گرفته می شوند و صرفاً به مسلمانان صدر اول اسلام اختصاص می یابند. آیت الله خویی با توجه به ضرورت طرح مباحث مذکور و تکمیل مباحث فقهی منهاج الصالحین به تألیف تکملة المنهاج مبادرت نموده و علاوه بر طرح فروع جزایی اسلام در حوزه قضا، شهادت، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات مبانی فقهی آنها را از آیات و روایات به صورت اجتهادی بیان کرده اند.

مبانی جمع مبنی اسم مکان است. یعنی در این اثر تحقیقی مستندات و تکیه گاه احکام با روش استدلالی ذکر شده اند که عبارت اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل. بدیهی است ذکر مبانی احکام ضامن اجرای قانون است. یعنی هر چه مبنای حکمی قوی تر باشد، اجرای قانون مبتنی بر آن مبنی نیز قوی تر خواهد بود. لازم است در این مقدمه مطالبی را به اختصار درباره ادله اربعه که بین امامیه مورد پذیرش است بیان کنیم:

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، باب ۲ از ابواب مقدمات حدود، ح ۱.
۲. همان، ج ۱۸، باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، ح ۹.
۳. همان، ج ۱۸، باب ۲۸ از ابواب مقدمات حدود، ح ۱.
۴. رک. مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۷.

۱. کتاب: مراد از کتاب کتابی است که خداوند متعال آن را به پیامبر اسلام (ص) با الفاظ و معانی و اسلوب خاص نازل فرموده و از آن «قرآن» تعبیر کرده است به گونه‌ای که پیامبر (ص) در الفاظ و صیغه‌های آن هیچ گونه دخالتی نداشته است.^۱ هر کس قرآن را از مخترعات پیامبر (ص) بداند و به الفاظ و معانی صیغ الهی قائل نباشد به کتاب آسمانی ایمان نیاورده است. «نزل به روح الامین علی قلبک ... بلسان عربی مبین» (شعراء/ ۱۹۶) در اصول مظفر آمده است: «و هو المصدر الأول الاحکام الشریعة الاسلامیة و اما ماسواء من سنة او اجماع او عقل فالیه یتهی و من منبعه یتقی:»^۲ و آن (قرآن) مصدر اول احکام شریعت اسلامی است و مابقی: سنت و اجماع و عقل به آن منتهی و از چشمه زلال آن سیراب می‌شوند.

۲. سنت: سنت در اصطلاح برادران اهل سنت و جماعت عبارت است از: قول و فعل و تقریر نبی اکرم (ص) و در اصطلاح فقهای امامیه: قول و فعل و تقریر معصوم. بنابراین، قول و فعل و تقریر ائمه معصومین نیز بر بندگان خدا حجت و واجب‌الاتباع است. پس سنت عبارت است از: قول و فعل و تقریر معصوم.^۳

۳. اجماع: از دیدگاه امامیه اجماع در مقابل کتاب و سنت، اصل مستقلی نیست بلکه در صورتی حجت است که کاشف از سنت باشد و گرنه نمی‌توان در اثبات حکم شرعی به آن استناد کرد و اگر کاشف از سنت باشد در آن صورت نیز منکشف حجت است نه کاشف.

۴. عقل: آنچه از دیدگاه امت اسلامی مسلم است اینکه: حاکم در احکام شرعی فقط خداست. قرآن کریم از آن حکایت می‌کند و سنت کاشف از آن است یعنی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) از احکامی که نزد خداوند متعال تشریع شده خبر می‌دهند. بنابراین، عقل حاکم نیست بلکه مدرک است، پس عقل نیز دلیل اصلی نیست بلکه در صورتی حجت است که بین ادراک آن و حکم شرعی ملازمه

۱. اصول العامه، محمدتقی حکیم، ص ۹۹.

۲ و ۳. اصول مظفر، ج ۲، ص ۶۱.

ثابت باشد. پس در این صورت نیز آنچه حجت است حکم شرعی است نه عقل. تفصیل این اجمال در اصول فقه آمده است. بنا بر آنچه بیان شد، درباره دلیل عقلی از دو نظر می توان بحث کرد: اولاً، عقل مدرک است نه حاکم پس حکم ندارد. ثانیاً، عقل آدمی از ادراک ملاکات همه احکام عاجز است، زیرا شارع آنها خالق عقول است و عقل هر جا بتواند آن را درک کند حکم شرع آنجا وجود دارد؛ پس عقل در این موارد کاشف از حکم شرع است؛ از این رو عقل نیز مانند اجماع دلیل مستقلى نیست. مضافاً اینکه در این کتاب که مؤلف منابع تکمله را مشروحاً بیان کرده است در یک مورد نیز به دلیل عقلی استناد نکرده است و شیخ مظفر (قده) که در دلیل عقلی قلم فرسایى کرده و برای کاربرد آن مثالهایی آورده، به غیر از دلیل عقلی به ادله دیگر نیز استناد کرده است. به هر حال در فقه موردی نیست یا لااقل من ندیده‌ام که به دلیل عقلی استناد شده باشد. پس از آنچه بیان گردید می توان نتیجه گرفت که اجماع و عقل نقش مؤید و کاشف از آنها را دارند. منابع احکام شریعت منحصر در کتاب و سنت است والله العالم.

در این اثر علاوه بر ترجمه متن و پاورقیها در مواردی آراء و استدلالهای مؤلف مبانی تکملة المنهاج تبیین شده و احیاناً مطالب تکمیلی با روش استدلالی فقهی بیان گردیده که آنها را با علامت (*) مشخص کرده ایم و در صورت ذکر مطالب افزون بر متن و پاورقی تکملة المنهاج آنها را در داخل پرانتز آورده ایم. در فهرست نام کسان تنها فقهایی ذکر شده اند که در متن کتاب نظر آنان آمده است.

انگیزه این اقدام، اولاً، علمیت کتاب و نکات دقیق آن بوده است و ثانیاً، عرض ارادتی بود به ساحت استادم حضرت آیت الله العظمی خویی و ثالثاً، ارائه خدمتی، هر چند ناچیز، به اهل علم و دانشجویان عزیز فقه و حقوق؛ البته با آگاهی از بضاعت مزاجه خود.

در پایان وظیفه خود می دانم از همه دست اندرکاران سازمان سمت به ویژه استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد احمدی که بر گردن این بنده حقوق بسیاری

دارند و نیز از سرکار خانم عذرا قبله‌ای که در ویرایش آن بیش از حد معمول قبول زحمت نموده است، تشکر کنم. جزاهم الله خیر الجزاء.

از محضر اساتید محترم، مدرسان این اثر و دانشجویان عزیز تقاضا دارم ضمن اغماض از کمبودهای احتمالی این اثر موارد اشکال را از طریق سمت به بنده منتقل کنند تا در چاپهای بعدی اعمال نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

خلیل قبله‌ای خویی

۱۳۸۹

www.ketab.ir